

مستند است

حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم و المسلمین حضرت آقا سید محمد طالقانی زنده
 محترم اینجانب لازم و فرض شرعی دانستن خود را در این باره می‌دانم. آن سرور کرامی پس
 از استماع سخن این شیخ در رادیو نیز در این باره سخن گفتند و حق این چند را خلاصه آن تقدیم داریم. بلکه
 بتوانم آنچه از نظر حقیقت و واقعیت است و از اعم و تریه و ظلماتی استنباط مغزگامی نایب
 و فکر محدود بشریت تراوش مکنند و گاه منتهی به قضایای نظریه و خودخواهانه اندیشه‌ها می‌رسد و در این
 دایره در آنکه فقط عاقلان فکر کرده‌اند و عمل مکنند و قطعی آن مغز را خواهند در همه آنها خلاق کرده
 و فقط آنها هستند که بتوانند برای بشریت فکر کنند و تکلیف معلوم کنند آنگاه سزاوار است که بر این
 جهان است و بر چه نیازی از این ماجرا و این با همه خود را بر می‌دارند که از همه هم رسیده:

"تفکر و ساقط خرد و من عبادت سبحان الله" پس بهر آنکه گفتند در امور با بدیگری فکر
 کرد که جامع و یاری دین کی باشد و عبادت دیگر طوری باشد که به وضع بر زمین و آنچه در دین مکنند در حقیقت
 داشته باشد. حال می‌آید سر طبعی که معجزات هم فرض کنیم. اولاً به بیان اصل اصل که بنظر می‌آید که این انقلاب
 ایران که پیروز شد و او خدای پیروز شد. به این دلیل که این یک ضرورت اجتماعی و تکامل سیاسی
 بود. در سطح کفر زمین حدود یک صد و چهل کشور به سرانجام رسیدند و در دنیا وجود دارد که از ابتدای وجود بشر
 ابتدا عبادت قبله بعد عبادت ابروی و بعد عبادت بر این کشور و فقط در حقیقت و در دین که از زمانه
 ضرورت اینجاست کرد در شهر و ده که زندگی کنند و به هیچ وجه در این کشور شکل دادند و شهرهای شدند
 و ناچار به هر که در میان آنان قدرت بر سر داشتند و هر یک را بدست گرفتند و در یک حکومت
 تشکیل شد و هم برای آنکه بتوانند موفقیت خود را مستحکم کنند و بتوانند به دیگران حکومت کنند
 به کارهای احتیاطی و اکثر در از اخلت و اضعاف زدند و در یک حکومت سلطنتی و استبدادی بوجود آمد
 و با گذشت زمان برای حفظ جان و جاه دست به جنایت آوردند و سرانجام به فکر جدی که کار
 این جنایات افتاد و اولین ملتی که فکر چاره‌جویی افتاد ملت ایران بود که انقلاب کرد و
 استبداد را بر انداخت از آن تاریخ تا این زمان از این ملت هیچ شکر و سپاسی تاکنون متجاوز از
 یکصد و بیست کشور دنیا جمهوری شده و فقط تقریباً بیست کشور از این سلطنتی است از آنهم
 البته بعضی از آنها، از آنجا که خیلی متهم و سرافرازند بر این فروع نمی‌کنند سلطنتی به کنند

یا جمهوری. مثل ایران. انگلستان، هلند و غیره پس جمهوری، سلسله‌ای در ایام دهی که خود
 مفری در هیچ راهی داشته باشد و آزاد و فاعل از قید و بند تفکر کند تا نرسد و اگر درست فکر نشده
 حتی اگر جمهوری باشد بنده زجر دیده آن کس هستند که از پس پرده رئیس جمهور که در حقیقت
 آنرا تحمل میکنند و از پس پرده توانش را خود عوض میکنند و عوام فریبی میکنند. باینده خواهی از جناب عالی
 باید عرض کنم که آنکه فکر میکنند این گفته قید و بند است نسبت مذهبی این ملت بر انسان بوجود
 آورده است. آنهایی که نمی‌کنند این عقبت مانند کس اکثریت مردم تحت تاثیر تربیت هزار و چهارصد
 ساله مذهبی است که شما با تجربه آید و اکنون که نظام سیاسی و اجتماعی را در هم ریخته آید
 تا من جان و مالی که لکل از میان رفته و با هم ریختن وضع اقتصادی هزاران کارگر و روستا سازگار
 بیچاره اند و گرسنه اند و محاسم زندگی و جنبه های عادی را "نه سیاسی" از زندانها آزاد شده اند
 و اسلحه به آسانی به دست میاورند از حزب برون و مدار نیست که تا این زمان در ایران احسن و حکم فاش
 باشد که کار داشته و حال از این عقبت سر هم در این میخانه و حق هم دارند که بخواهند و قربانی
 داده اند و هم حاضر بدارن سر هم آن کس نیستند آنرا بپوشند هر قدر که بید و خون میسازند حدس بزنید
 چه میانی در حال روگردان هستند. نام سرداران بدون از نظر گرفتن اعلامیه های مکرر
 مذهبی که به حال و حال مردم تعرض میکنند تا کم در اکثر کس که از خانه و شرکت و ادارات که در اثر بی اطمینان
 سر در آران جدید و ناب امنی و هنر سیاسی و اجتماعی که عمل هستند و کارگران بیچاره شده اند و کسانیکه
 سرمایه دارند چون می بینند روشن دولت چند سرمایه دار که است سرمایه خود را که بیچاره اند چون
 عفت می بینند کسانیکه سرمایه داشته و کسرت تولیدی مرا خسته بودند علاوه بر از دست دادن سرمایه به هم
 داشتن سرمایه جانبان هم در معرض خطر است و کارگران خود آنها دشمن جانبان شده اند.

"شماره صحابه بدو زبونی نمود و او را از آزارش گریخته می‌انند در این
 رسم نتوانستند استادی کنند و هم اینک هر دو پوزنده فلان انسر قید شده است و فر مانبر داری از شاه
 با از فرمانده خود. در جواب اول مستقیم افندان و افراد آرش بهم، ان کند و این هستند و هیچ
 دست در جبال و جنب واقع تر قند و جدی وارد میدان نشدند این جنبی با انضامی است که بگویند آرش نمی توانست
 در برابر این مردم بدون سلاح باشد اگر میخواستند با یک رگ بسازند از زمین و هوا مردم را قتل عام میزدند
 واضح است نخواهند استند و از طرفی تبلیغاتی که در مدت شش ماه میگذرانند که متعین میگردند که بود و هم آنکه

پس از آنکه به برانطباق حسن وفاداری نسبت بفرماندهش و طعنش بحد کامل زانکه با سوره که سید اندر
روز جنب با دشمن خارجی از جهان خودش مانده بگذار و لایق دلس در آورنده هر افسر میزان وفاداری
نسبت به فرمانده حسن وطن پرستی دورین است سی ارتقا و او بدو به بالا تر میباشد این بی ارضی و مقصود
یک جنب است. بی تردید واقعتاً این سوره بید که مامین و انستیر همپدی و آزادی را بدست مبارکم بدون
آنکه بی مملکت با هم بریزیم. مملکت با هم ریخته فقط و فقط به خاطر حسن استقامت مجوی و
جبه طبعی البته منظورم رهبر انقلاب است. شما مذهب با و سیده استقامت مردمی ساده و
خام گردید و حزب انضامی در کتای توری شایسته هم که به دیکتاتور توری مذهبی تبدیل گردید و
اگر همکاری دست همی که برداشتن اندازه موفق نمی شد آنرا مستقر و درس خوانده بودند و دانش
دنیای علم را گرفتند و در نهایت ستر محامه که موهن گرفتند تا شما را موقوف گردانیدند و
جلا هم از دنیای نیشینه زد و دلی که تامل داده است سورهی دارند و بطور کل این رسیده سر دراز
دارد جهت آنکه در آن وقت مردم عامی و کرد سوزانده نسوم خود را بر منی سخنوا هم کرد
باید روزی که به عقل بیاید و راه صحیح خدا را و انانی که در بید و بید بدانند کسی هم هستند
که گول عوام فریبی شما را نخورند خود خدا شما را هدایت کند.

یک زهر دیده در راه آزادی